

زمینه ها و شیوه مبارزه با نفاق از نظر قرآن کریم

رخساره بنی صفر^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشکده علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

با ظهور اسلام و بعثت پیامبر گرامی اسلام(ص) به ویژه بعد از هجرت آن حضرت به مدینه و شکل گیری حکومت اسلامی، پدیده ی نفاق مفهوم تازه ای به خود گرفته و جلوه ی ویژه ای یافته است. قرآن کریم به طور بسیار ریزبینانه مسئله نفاق را تشریح نموده و علاوه بر توصیف اندیشه ها، افکار و اقدامات منافقان و شیوه ی برخورد با آنان، ملاک هایی را برای شناسایی منافقان از جنبه های مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی بیان نموده است. لذا هدف اصلی این تحقیق بررسی زمینه ها و شیوه مبارزه با نفاق از نظر قرآن کریم می باشد. به همین علت در این تحقیق آیات مربوط به نفاق به ترتیب نزول طبقه بندی و مورد بررسی قرار گرفته است تا به گفتمان سازی قرآن در رابطه با نفاق پی ببریم، چرا که تنها راه رهایی از رذیله ی اخلاقی نفاق، رجوع به تعلیمات روشنگر قرآن کریم و سخنان پیشوایان معصوم اسلام و الگوپذیری از آنان است و کمال مطلوب انقلاب اسلامی و آرمان های انقلاب ما تنها می تواند با ایجاد گفتمان تحقق یابد. نتایج به دست آمده از مباحث رساله بیانگر آن است که قرآن کریم با اسلوب های تنوری و عملی خاص خود، برنامه و توصیه های جامع و دقیقی را در رابطه با نفاق ارائه نموده است. این یافته ها نشان داد که قرآن کریم در ارتباط با موضوع نفاق، با برنامه ریزی و به صورت گام به گام و متناسب با شرایط زمانی و فکری موجود در جامعه، به طی مراحل می پردازد. این مراحل شامل موارد زیر است: تشخیص و مسئله شناسی، فرهنگ سازی، تبلیغ گفتمان جدید، بیان پیامدهای نفاق و شیوه ی برخورد با منافقان.

واژگان کلیدی: نفاق، گفتمان جدید، شیوه ی برخورد با منافقان

^۱ نویسنده مسئول: Math_1384_ir@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۶

۱. مقدمه

یکی از صفات رذیله اخلاقی که در قرآن کریم به کرات به آن اشاره شده و صاحبین آن به شدت مورد نکوهش قرار گرفته اند، صفت رذیله «نفاق» است. گروه منافقین از همان ابتدا به عنوان دشمنانی داخلی به مانع تراشی و کارشکنی در راه پیشبرد اهداف متعالی اسلام پرداختند و با مخفی کردن کفر و کینه عمیق خود نسبت به اسلام، صدمات جبران ناپذیری را بر آن وارد ساختند. این بلیه ی بشری تنها مختص آن عصر نبوده بلکه به عنوان آفتی همیشگی، گریبانگیر جامعه ی بشری بوده و هست. طبق گفته شهید مطهری: «آدمی هر قدر از جهت تمدن پیشرفت می کند، قدرت نفاق در او بیشتر می شود، انسان هزار سال قبل یک هزارم نفاق انسان امروز را نداشت، و هر چه آدمی بدوی تر باشد، نفاقش خیلی کمتر است بر عکس حیوانات که همیشه قدرت بر مسئله نفاق ندارند، آدمی چون موجود کاملتری است، قدرت خیلی زیادی بر مصنع ها و ظاهرسازیها دارد.» بنابراین ضروری و لازم است تا ابعاد مختلف این مسئله درونی مورد بررسی قرار بگیرد و بازتاب های عینی آن در رفتار انسانی و پیامدهای سوء آن بر روح آدمی و جامعه ی بشری معین گردد. نخستین بار قرآن کریم، واژه «نفاق» را به معنای شخص دو رو و به معنای کسی که گفتار او با آنچه که در دل دارد، مخالف است، به کار برده است. نفاق فعل منافق است، بنابراین واژه ی «منافق» در فرهنگ قرآن به معنای کسی است که گفتار او با آنچه که در دل دارد، مخالف است به عبارت دیگر به انسان دو رو، از این جهت، منافق می گویند که مکنون قلبی خود را پنهان می کند، و غیر آن را اظهار می دارد و همواره به دنبال فرصتی جهت ضربه زدن به مسلمانان و حکومت اسلامی است. بنابراین لازم است مسلمانان در هر زمان به ویژه در زمانیکه فتنه گری منافقان فضای جامعه را غبار آلود می کند، کاملاً هوشیار باشند تا فریب ظواهر آنان را نخورند. قرآن کریم درباره منافقین اهتمام شدیدی ورزیده، و مکرر آنان را مورد حمله قرار داده، و زشتی های اخلاقی، دروغها، خدعه ها، دسیسه ها، و فتنه هایشان را به رخشان می کشد. فتنه هایی که علیه رسول خدا (ص) و مسلمانان پیاوردند، و در سوره های قرآن کریم از قبیل سوره بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، عنکبوت، احزاب، فتح، حدید، حشر، منافقین و تحریم سخن از آن را تکرار نموده است. و نیز در مواردی از کلام مجیدش ایشان را به شدیدترین وجه تهدید نموده به اینکه در دنیا مهر بر دلهايشان زده، و بر گوش و چشمشان پرده می افکند، و نورشان را از ایشان می گیرد، و در ظلمتها رهایشان می کند، به طوری که دیگر راه سعادت خود را نبینند، و در آخرت در درک اسفل و آخرین طبقات آتش جایشان می دهد. و این نیست مگر به خاطر مصائبی که این منافقین بر سر اسلام و مسلمین آوردند. چه کیدها و مکرها که نکردند؟ و چه توطئه ها و دسیسه ها که علیه اسلام طرح نمودند، و چه ضربه هایی که حتی مشرکین و یهود و نصاری به اسلام وارد نیاوردند. از آنجایی که مسلمانان برای شناخت دقیق راه های زندگی در جامعه نیازمند توجه به راهنمایی های قرآن هستند بنا به توصیه پیامبر اکرم (ص) در چنین مواقعی باید به قرآن پناه برد تا با استفاده از راهنمایی های آن بر بصیرت خود افزوده و از شر فتنه منافقان در امان ماند.

۲. پیشینه تحقیق

کتاب های متعددی با محوریت موضوع نفاق به زبان های فارسی و عربی چاپ و منتشر شده است که به طور اجمال و مختصر به بیان صفات منافقان و ارائه ی آیات مربوط به آن ها و برخی شأن نزول این آیات پرداخته است که البته بیشتر مربوط به غزوات و جنگ های صدر اسلام می باشد. که به تعدادی از این کتاب ها اشاره می کنیم:

۱- مسئله ی نفاق، شهید مطهری

۲- دشمنان دوست نما، جعفر سبحانی

۳- حقیقت نفاق از دیدگاه قرآن، حکمت یار ۴- پیامبر و منافقین، سیروس سعیدی ۵- منشور جاوید، جلد ۴، جعفر سبحانی

۶- منافقین از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، مهدی عرفانی

۷- نفاق شناسی ، علیرضا اعرافی

۸- پژوهشی پیرامون نفاق و منافق ، مرتضی حسینی و .. برخی از کتاب هایی که به زبان عربی درباره ی منافقان چاپ و منتشر گردیده است به شرح ذیل می باشد ۱۰۰-المنافقون فی القرآن الکریم ، السید حسین اسماعیل الصدر: در این کتاب ، برخی از صفات و عملکرد منافقان ، در چند بخش بیان شده و آیات مربوط به آن ها را مطرح می کند ۲۰۰-المنافقون فی القرآن ، دکتر عبدالعزیز الحمیدی: این کتاب ابتدا آیه ی مورد نظر را بیان نموده و سپس به شأن نزول آن پرداخته و بحث هایی نیز پیرامون جایگاه زمانی آیه و بیان مفردات آیه دارد. در مواردی نیز به ارتباط آیات با حوادث کنونی جامعه اسلامی اشاره می کند واحادیثی که در ذیل آیات آورده است بیشتر از صحیحین کتب روایی اهل سنت می باشد ۳۰۰-لغه المنافقین فی القرآن الدكتور عبدالفتاح لاشین: در هر یک از فصل های این کتاب ، یکی از سوره ها و آیات آن را که در مورد منافقان نازل گردیده ، به ترتیب مصحف کنونی ، مطرح می کند و از جهت لغوی و اعجاز لفظی نیز بحث هایی را ارائه می نماید و در آخر هر فصل ، تحلیلی تحت عنوان «تعقیب» می آورد ..مقالاتی هم در زمینه نفاق کار شده اند که به برخی از آن ها اشاره می شود.

۱-روش مواجهه و برخورد با نفاق ، حسین همایون مصباح

۲- گونه های مختلف نفاق، محمد حسین پژوهنده۳- روش شناسی منافقین از دیدگاه قرآن ، محمدی سلطانی

۴-پیدایش پدیده نفاق در اسلام از منظر قرآن ، محمد میرزایی

۵- نفاق و منافقین از منظر قرآن ، حسین بزرگ زاده و .. در این مقالات بیشتر به تعریف و بررسی صفات منافقین پرداخته شده است و مقاله ی جامعی که دربرگیرنده ی آیات مربوط به نفاق بر اساس ترتیب نزول بوده و به گفتمان سازی قرآن در رابطه با موضوع نفاق بپردازد یافت نشد..

۳. روش گفتمان سازی مبارزه با نفاق در قرآن

بر اساس این روش به بررسی مراحل می پردازیم که قرآن به وسیله ی آن به مبارزه با نفاق به روش گفتمان سازی پرداخته است. جهت تبدیل یک برنامه به ادبیات رایج مردم جامعه ، نیاز به گفتمان سازی است، که این گفتمان سازی نیازمند برنامه ریزی است و دارای مراحل می باشد که باید به صورت گام به گام پیش برود. لازم است این نکته را در نظر داشته باشیم که مراحل گفتمان سازی قرآن که در ادامه خواهد آمد به هیچ عنوان جدا از هم و مقطعی نیستند یعنی این گونه نیست که مرحله ای به اتمام برسد و سپس مرحله ی بعدی آغاز شود. تمام این مراحل در راستای یکدیگر ادامه یافته اند.

۳-۱- تشخیص و مسئله شناسی

برای ایجاد تغییر در گفتمان حاکم در عصر نزول که نفاق است به شناخت دقیق جامعه، شرایط و الزامات حاکم بر مردم آن جامعه نیازاست.

یکی از رویدادهای مهم در صدر اسلام که اقداماتش بسیار آشکار بود، جریان نفاق بود. این جریان علیه جامعه ی نوپای اسلامی در زمینه های مختلف دست به کارشکنی می زد لذا، پیامبر گرامی اسلام (ص) بیشترین اوقات خود را صرف تعدیل این توطئه ها و دسیسه ها می نمودند. اگرچه این جریان بعد از هجرت پیامبر(ص) به مدینه انسجام بیشتری گرفت ولی شواهد گواه بر وجود نفاق در دوران مکی نیز می باشد.

عمده روش هایی که برای روشن ترساختن موضوع و تبیین مسئله نفاق صورت گرفت بدین شرح است:

۳-۱-۱- نشانه های منافقان

با مطالعه ی آیات مربوط به نفاق، نشانه های متعددی برای منافقان، استفاده می شود که در یک جمع بندی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- دروغگوئی صریح و آشکار: (وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ)

- ۲- استفاده از سوگندهای دروغین برای گمراه ساختن مردم: (اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً)
- ۳- عدم درک واقعیات، بر اثر رها کردن آئین حق، بعد از شناخت آن: (لَا يَفْقَهُونَ)
- ۴- داشتن ظاهری آراسته و زبانی چرب، علی رغم تهی بودن درون و باطن: (وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ)
- ۵- بیهودگی در جامعه و عدم انعطاف در مقابل حق، همچون یک قطعه چوب خشک: (كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ)
- ۶- بدگمانی و ترس و وحشت از هر حادثه و هر چیز به خاطر خائن بودن: (يَخْشَوْنَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ)
- ۷- حق را به باد سخریه و استهزاء گرفتن: (لَوْوًا رُؤْسَهُمْ)
- ۸- فسق و گناه: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ)
- ۹- خود را مالک همه چیز دانستن، و دیگران را محتاج به خود پنداشتن: (هُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُسُوا)
- ۱۰- خود را عزیز و دیگران را ذلیل، تصور کردن: (لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ)
- ۱۱- دعوت مردم به منکرات و باز داشتن مردم از نیکی‌ها: (يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ)
- ۱۲- خودداری از انفاق: (وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ)
- ۱۳- فراموشی خدا: (نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ)
- ۱۴- تنبلی کردن در عبادات: (وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالًا)
- ۱۵- ریا کاری: (يُرَاءُونَ النَّاسَ)
- ۱۶- خوشحالی بر مصیبت ایمانداران و دلتنگی در شادی آنها: (إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ)
- بدون شک نشانه‌های منافق منحصر به این‌ها نیست، و از آیات دیگر قرآن و روایات اسلامی و نهج البلاغه نیز نشانه‌های متعدد دیگری برای آن‌ها استفاده می‌شود، حتی در معاشرت‌های روزمره می‌توان به اوصاف و ویژگی‌های دیگری از آن‌ها پی برد، ولی آنچه ذکر شده، قسمت مهم و قابل توجهی از این اوصاف است. (مکارم شیرازی، ۱۶۴ / ۲۴)
- ۳-۲-۱- زمینه‌ها و بسترهای پیدایش نفاق از دیدگاه قرآن کریم
- عوامل مؤثر در پیدایش نفاق را با تدبیر در آیات مربوط به منافقان می‌توان به موارد زیر تقسیم نمود:
- ۳-۱-۲-۱- طمع: یکی از عوامل مهمی که سبب قبول ظاهری اسلام می‌گردد انگیزه دست‌یابی به منافع مادی و دنیوی است. با بررسی آیات قرآن کریم ملاحظه می‌گردد که در مکه و پیش از هجرت، فرصت طلبانی که قدرت مسلمانان در مکه و علایم پیروزی آنان را مشاهده کردند برای اینکه در آینده خود را در مواضع قدرت نفوذ دهند اسلام را به صورت ظاهری پذیرفتند تا در نقاب دین به منافع مادی و کفرآمیزشان دست یابند. چنان که در آیات دهم و یازدهم سوره عنکبوت آمده است: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَ لَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ . وَ لَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ؛ و از میان مردم کسانی اند که می‌گویند: به خدا ایمان آورده ایم و چون در [راه] آزار کشند آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند و اگر از جانب پروردگارت یاری رسد حتما خواهند گفت: ما باشما بودیم آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست.»
- در تفسیر این آیات آمده است: «خداوند متعال نیت منافقان را در ایمان آوردنشان روشن ساخته است اینکه آنان اظهار اسلام را وسیله‌ای برای رسیدن به آنچه که از پیروزی مسلمانان انتظار داشتند، قرار دادند. پس خودشان را در معرض فواید و منافع چنین پیروزی می‌دیدند.» (ابن عاشور، ۱۴۱/۲۰)
- سخن این مفسر نشان‌دهنده ی مؤثر واقع شدن عامل طمع در شکل‌گیری نفاق است.

همچنین عده ای به طمع بهره مندی از غنائم جنگی به دروغ به اسلام روی می آوردند تا از این طریق با دیگر مسلمانان سهیم و شریک باشند. خداوند در آیه ی زیر از این روحیه منافقان خبر داده است:

«سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِنَاخِدُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَقْفَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا؛ چون [به قصد] گرفتن غنائم روانه شدید به زودی بر جای ماندگان خواهند گفت: بگذارید ما [هم] به دنبال شما بیاییم [این گونه] می خواهند کلام خدا را دگرگون کنند. بگو: هرگز از پی ما نخواهید آمد، آری خدا از پیش درباره شما چنین فرموده پس به زودی خواهند گفت: [نه] بلکه بر ما رشک می بردید [نه چنین است] بلکه جز اندکی در نمی یابند» (فتح: ۱۵)

۱-۲-۲- ترس

یکی از عوامل دیگری که باعث پذیرش ظاهری اسلام و علنی نمودن کفر می شود، ترس از مال، جان و منافع مادی است. در این قسمت آیات بازگو کننده ی ترس منافقان را در قالب عناوین زیر دسته بندی نموده ایم:

الف) خوف از مرگ:

«أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ؛ یا چون کسانی که در معرض رگباری از آسمان که در آن تاریکیها و رعد و برقی است [قرار گرفته اند] از [نهییب] آذرخش [و] بیم مرگ سر انگشتان خود را در گوشهایشان نهند ولی خدا بر کافران احاطه دارد» (بقره: ۱۹)

در این آیه خداوند با مثالی، ترس منافقان از مرگ را به تصویر می کشد و نشان می دهد محیط زندگی آنان سراسر ترس، اضطراب، وحشت و نگرانی است.

در آیه ی ۲۰ سوره محمد نیز به این عامل اشاره شده است.

ب) خوف از دست دادن مال:

« أَوْ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ آیا در دلهایشان بیماری است یا شک دارند یا از آن می ترسند که خدا و فرستاده اش بر آنان ستم ورزند؟ [نه] بلکه خودشان ستمکارند.» (نور: ۵۰)

به نقل از امام صادق (ع) در برخی روایات آمده است که نزاعی مالی میان علی (ع) و عثمان پیش آمد. پیشنهاد علی (ع) طرح و حل دعوا نزد پیامبر (ص) بود. اما عبدالرحمن بن عوف عثمان را از این کار نهی نمود. به این دلیل که علی (ع) پسرعموی پیامبر اکرم (ص) است و یقیناً داوری به نفع او تمام خواهد شد. (فیض کاشانی، ۴۴۲/۳)

با توجه به شان نزول آیه، این گونه برداشت می شود که منافقان ترس از دست دادن اموالشان را داشتند. بنابراین همانطور که داوری غیر پیامبر (ص) را برای حفظ مال خود ترجیح می دهند با همین ملاک ممکن است تنها در مرحله زبان و ظاهر اسلام را اختیار کرده باشند.

ج) خوف از رسوایی:

« وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشِبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعُدُوَّ فَاحْذَرَهُمْ فَاتْلَهُمْ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفِكُونَ؛ و چون آنان را ببینی هیکلهایشان تو را به تعجب وا می دارد و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا دهی گویی آنان شمعک هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و در خور اعتماد نیستند] هر فریادی را به زیان خویش می پندارند خودشان دشمنند از آنان بپرهیز خدا بکشد شان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته اند» (منافقون: ۴)

چنانچه در این آیه اشاره شده، منافقان هر فریادی را بر ضد خود می پندارند و از سایه ی خود نیز هراسناک هستند! این ترس از رسوا شدن خود می تواند عامل مهمی برای اظهار دروغین اسلام باشد تا از هر گونه رسوایی در امان باشند. در سوره ی توبه آیه ی ۶۴ نیز به این عامل اشاره شده است.

یکی از موانع بزرگ در پذیرش حقیقت، پافشاری بی دلیل بر عقیده ای خاص می باشد که می تواند شخص دارای این ویژگی را گرفتار نفاق نماید. نفاق ورزی برخی اهل کتاب (یهود) نمونه چنین تعصبی می باشد که جهت ایجاد تردید در مسلمانان، هنگام صبح، به ظاهر ایمان می آوردند و شبانگاهان از اسلام بر می گشتند. در باره ی نقشه و عملکرد این منافقان خداوند می فرماید:

«وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَ أَكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنْ أَلْهَى اللَّهُ الْهَدَى اللَّهُ أَنْ يُؤْتِيَ أَحَدًا مِثْلَ مَا أُوتَيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنْ أَلْفَضَلَّ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» وجماعتی از اهل کتاب گفتند: در آغاز روز به آنچه بر مومنان نازل شد ایمان بیاورید و در پایان روز انکار کنید شاید آنان از اسلام برگردند. و [گفتند] جز به کسی که دین شما را پیروی می کند ایمان نیاورید بگو: هدایت، هدایت خداست. مبادا به کسی نظیر آنچه به شما داده شده، داده شود یا در پیشگاه پروردگارتان باشما محاجه کنند بگواین تفضل به دست خداست آن را به هر کسی که بخواهد می دهد و خداوند گشایشگر داناست. (آل عمران: ۷۲-۷۳)

این دو آیه به خوبی نشان دهنده ی تعصب اهل کتاب نسبت به آیین خود می باشد که عامل مهمی برای نفاق ورزیشان بوده است. علاوه بر دو آیه ی فوق، آیه ی ۱۰۷ سوره توبه و آیه ۸ سوره منافقون هم اشاره به تاثیر این انگیزه داشته اند.

۳-۱-۲-۴- بی تفاوت بودن و سرگردانی

بی هدف بودن در مسیر زندگی و ناتوانی در تصمیم گیری، بی تفاوتی و سرگردانی نسبت به حوادث سرنوشت ساز، سازگاری با همه عقاید اعم از حق و باطل نتیجه ای جز نفاق در پی نخواهد داشت. در سوره نساء اینگونه بیان شده است: «إِنَّ الْمُتَفِئِينَ يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُتَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان، با خدا نیرنگ می کنند، و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند. با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند» (نساء: ۱۴۲)

«مُدْبِذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُوَاءٍ وَ لَا إِلَى هُوَاءٍ وَ مَنْ يُضَلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا؛ میان آن [دو گروه] دو دلند نه با اینانند و نه با آنان و هر که را خدا گمراه کند هرگز راهی برای [نجات] او نخواهی یافت.» (نساء: ۱۴۳)

واژه ی «مذبذب» در این آیه اسم مفعول از ماده «ذبذب» به معنای صدای مخصوص است که به هنگام حرکت دادن یک شیء آویزان بر اثر برخورد با امواج هوا به گوش میرسد. (مکارم شیرازی، ۱۷۸/۴) از این تعبیر استنباط می شود که منافقان فاقد برنامه و هدفند و از این رو سرگردان و بی تفاوتند.

۴-۱-۲-۵- ایجاد انحراف و مانع در برنامه انبیاء (ع)

از برخی آیات چنین بر می آید که شیاطین در پیشبرد اهداف و اجرای برنامه های تمام پیامبران (ع) اولوالعزم و غیر آن اختلال ایجاد می کردند. خداوند در این باره می فرماید:

«وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُخَكِّمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقَاسِيَةَ قُلُوبُهُمْ وَ إِنْ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ؛ و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می نمود شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می کرد. پس خدا آنچه را شیطان القا می کرد محو گردانید. پس خدا آیات خود را استوار می ساخت و خدا دانای حکیم است. تاآنچه را که شیطان القا می کند برای کسانی که در دلهایشان بیماری است و برای سنگدلان آزمایشی گرداند و ستمگران در ستیزه ای بس دور و درازند» (حج: ۵۲-۵۳)

نتیجه می‌گیریم از همان آغاز پیامبران با جریان سازمان یافته نفاق مواجه بوده اند چرا که منافقان به پیروی از وسوسه های شیطانی تلاش می‌کردند تا با توطئه و نیرنگ در راه پیامبران(ع) مانع ایجاد کنند اما خداوند طریقه ی خنثی کردن نقشه های شوم آنها را به خوبی می‌داند چرا که علیم و حکیم است.

۴-۱-۲-۶- تفرقه افکنی و ایجاد شکاف در صفوف مؤمنان

منافقان با نقاب ایمان سعی می‌کنند صفوف یکپارچه ی مسلمانان را درهم بشکنند و در جامعه عقاید کفرآمیز را انتشار دهند. بنابراین تفرقه افکنی انگیزه ای قوی و هدفی متعالی برای نفاق ورزی منافقان به شمار می‌آید.

این عامل در قرآن کریم به این صورت بیان شده است:

« وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ؛ وَ أَنَهَائِي كَمَا تَخْتَارُونَ » (سوره بقره: ۱۰۷) « و آنانی که مسجدی را برای ضربه زدن و کفر و تفکیک میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر(ص) او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم [ولی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند». (توبه: ۱۰۷)

۳-۱-۳- بررسی واژگانی که در وصف نفاق و منافق بیان شده

بیشتر واژگان آیات مربوط به نفاق، بیانگر احوال واقعی منافقان و بازتاب اوضاع جامعه ای است که منافقان در شکل گیری آن نقش اساسی ایفا می‌کنند. در این قسمت به مهم ترین آن اشاره می‌کنیم:

۴-۱-۳-۱- تشبیه منافق به شخص طوفان زده

خداوند در آیه ۱۷ سوره بقره می‌فرماید: *مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ*. مثل ایشان مانند کسی است که آتشی بیفزوزد، و همین که روشن کند پیرامون او را، خدا روشنی آنان را ببرد و رها کند ایشان را در تاریکی‌یی که هیچ نبینند.

در این آیه، منافق تشبیه شده است به شخصی که برای دیدن اطراف خود در بیابان تاریک آتشی را روشن نموده است ولی خداوند به ناگاه طوفانی می‌فرستد و آتش خاموش می‌شود و آن شخص در تاریکی رها می‌گردد و دچار دلهره، اضطراب، سرگردانی و حیرت می‌شود.

منافقان نیز مانند این شخص طوفان زده می‌باشند چرا که در ابتدا محیط زندگی آن‌ها بر اثر پذیرش اسلام و نور ایمان روشن بوده ولی بعد از آن که نفاق پیشه کردند، آن نور خاموش شد بنابراین دچار ترس و اضطراب و دلهره شدند.

۴-۱-۳-۲- تشبیه منافق به شخص در باران مانده

در آیه ۱۹ سوره بقره آمده: *أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ*. یا چون [کسانی که در معرض] رگباری از آسمان که در آن تاریکیها و رعد و برقی است [قرار گرفته‌اند]؛ از [نهی] آذرخش [و] بیم مرگ، سر انگشتان خود را در گوشه‌هایشان نهند، ولی خدا بر کافران احاطه دارد.

در این مثال منافقان به رهگذرانی تشبیه شده اند که در شب تاریک باران تندی بر سر آنان می‌بارد که همراه با رعد و برق و صاعقه است. منافقان از ترس مرگ و برای اینکه صدای صاعقه را نشنوند انگشتان خود را در گوشه‌هایشان می‌گزارند و به دنبال پناهگاهی هستند. از این جهت هرگاه برقی پرنور می‌جهد گامی بر می‌دارند ولی هر گاه خاموش می‌شود سریع توقف می‌کنند و دچار دلهره، سرگردانی و اضطراب می‌گردند.

۳-۱-۴- بیان ناپسندی عمل

از جمله آیاتی که در رابطه با نفاق نازل شده آیه ۸۱ سوره نساء است. خداوند در این آیه می‌فرماید: *وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عُنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا*. (و منافقان، روز) نزد تو به زبان اظهار فرمانبرداری کنند و چون از حضور تو دور شوند شبانه گروهی خلاف گفته تو را در دل گیرند، و

خدا اندیشه شبانه آنها را خواهد نوشت. پس (ای پیغمبر) از آنها روی بگردان و به خدا اعتماد کن، که تنها خدا تو را نگهبان کافی است.

این آیه درباره نفاق به اندرز اخلاقی پرداخته و بیان نموده نفاق در پیشگاه پروردگار کار پسندیده ای نیست از این طریق که اشاره به وضع جمعی از منافقان کرده و می گوید: آنها به هنگامی که در صف مسلمانان در کنار پیغمبر (ص) قرار می گیرند برای حفظ منافع و یا دفع ضرر از خویش با دیگران هم صدا شده و اظهار اطاعت فرمان پیامبر (ص) می کنند، و می گویند با جان و دل حاضریم از او پیروی کنیم. اما هنگامی که مردم از خدمت پیامبر ص خارج شدند، آن دسته از منافقان و افراد ضعیف الایمان گفته‌ها و پیمانهای خویش را به دست فراموشی می سپارند و در جلسات شبانه تصمیم هایی بر ضد سخنان پیغمبر (ص) می گیرند. (مکارم شیرازی، ۲۶/۴) با توجه در این آیه پی می بریم که به هر اظهار وفاداری و ایمانی دلگرم نباشید، چرا که منافقان با چرب زبانی خود را مطیع جلوه می دهند همچنین منافقان، جلسات سری شبانه و تشکیلات گروهی دارند و از نقاط کور و تاریک استفاده می کنند، از توطئه‌های آنان نباید غافل بود و در برابر توطئه‌های سری منافقان تنها بر خدا باید توکل کرد. (قزائنی، ۳۳۸/۲)

خداوند این آیه را برای بیان ناپسندی عمل نفاق، ایجاد تردید و تزلزل در اندیشه منافقان و دوری مردم از نفاق نازل کرده است تا در جامعه وحدت و یگانگی حکمفرما شده و نیروهای پراکنده اجتماع به هم نزدیک شوند.

۳-۲- فرهنگ سازی

یکی از روش های قرآن در فرهنگ سازی استفاده از مفاهیمی می باشد که برای مخاطبانش آشنا و ملموس باشد. آنچه بر اهمیت این روش تاکید دارد عبات است از اختصاص و استمرار آیات فرهنگ ساز در سوره های قرآنی. از جمله روش های فرهنگ سازی قرآن، بیان داستان ها و اخبار امت های گذشته از طریق ارج نهادن به ارزش ها و مذمت ضد ارزش ها است. همچنین بیان ناپسندی عمل نفاق، یادآوری عواقب نفاق برای جامعه، بیان و توصیف مصادیق و کارهای متضاد با نفاق مانند وحدت در جامعه اسلامی از جمله روش های فرهنگ سازی است که قرآن در زندگی مخاطبان خویش بهره می برد.

۳-۲-۱- بهره گیری از اخبار امت های پیشین

خداوند در آیات ۶۹ و ۷۰ سوره توبه می فرماید: كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَ خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۹). أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ الْمُؤْتَفِكَةِ أَتَيْتَهُمْ رُسُلَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۷۰) [حال شما منافقان] چون کسانی است که پیش از شما بودند: آنان از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیشتر بودند، پس، از نصیب خویش [در دنیا] برخوردار شدند، و شما [هم] از نصیب خود برخوردار شدید همان گونه که آنان که پیش از شما بودند از نصیب خویش برخوردار شدند، و شما [در باطل] فرو رفتید همان گونه که آنان فرو رفتند. آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند. آیا گزارش [حال] کسانی که پیش از آنان بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده، به ایشان نرسیده است؟ پیامبران نشان دلایل آشکار برایشان آوردند، خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند ولی آنان بر خود ستم روا می داشتند.

این آیات برای بیدار ساختن منافقان و دادن درس عبرت به آن ها به تاریخ روی می آورد و با مقایسه ی زندگی آنان با منافقان پیشین می گوید: شما هم مانند منافقینی هستید که پیش از شما بودند و همان راه و سرنوشت تاریک را دنبال می کنید. مطالعه ی تاریخ اقوام گذشته این واقعیت را روشن می کند که، گرچه منافقان از طریق اعمال نفاق آمیز خود سودهای به ظاهر کلان

ولی محدود و موقتی می برند ولی در اصل نه در این دنیا و نه در جهان دیگر بهره ای ندارند. گویای این حقیقت زوال، نابودی و عاقبت شوم این منافقان است.

۴-۲-۲- تصحیح عقاید و هویت افکار

خداوند در قرآن کریم برای اینکه جوامع انسانی را از جهل و شک برهاند و عقاید و بینش های آنان را تصحیح نماید در مورد توحید و ضرورت وحی و معاد، استدلال های فراوانی را بیان کرده است.

یکی از این استدلال ها، اعتقاد به حضور خداوند در همه ی مراتب است که اصلی ترین عامل رستگاری و موجب برپایی عدالت در جامعه می باشد: «ان الله علی کل شیء شهید» (حج: ۱۷) و «و هو معکم اینما کنتم» (حدید: ۴) همچنین تأکید کرده بر توکل به خداوند در همه ی امور. «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۵۱). سپس افکار مردم را از دنیاگرایی به آخرت گرایی جلب کرده و می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ. (توبه: ۳۸) ای کسانی که ایمان آورده اید، شما را چه شده است که چون به شما گفته می شود: «در راه خدا بسیج شوید» کندی به خرج می دهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست.

۳-۳- تبلیغ گفتمان جدید

برای جایگزینی فرهنگ جدید و تغییر دیدگاه رایج، ابتدا بایستی موضوع و مسأله محوری تبیین گردد سپس خصوصیت شاخص و متفاوت دیدگاه جدید کاملاً تشریح شود و به بیان نقاط مثبت فرهنگ جدید پرداخته شده و مدلسازی های ذهنی در صورت امکان در رابطه با موضوع صورت گیرد.

قرآن در ارتباط با نفاق و در راستای تبلیغ گفتمان جدید پس از بیان توحید و معاد، دیدگاه افراد را نسبت به مقام ها، موقعیت و ارزشها دگرگون ساخت. فضایل انسانی به جای رذیلتها و نیکیها به جای پستیها نشست و با روش های زیر به تبلیغ و ارتقاء و به تعبیر دیگر به مبارزه با نفاق پرداختند.

۳-۳-۱- تقوا

در مقابل فساد و افسارگسیختگی نفس اماره، قرآن بزرگترین امتیاز را برای تقوی قرار داده و آن را تنها معیار سنجش ارزش انسانها می شمرد. «ان اكرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات ۱۳)

۳-۳-۲- جهاد و تقویت روحیه ایمان و شهادت طلبی

قرآن کریم بیان می دارد که غارتگری و جنگ های بیهوده ارزش حساب نمی شود بلکه این جهاد مخلصانه در راه خداست که ارزشمند است. «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجراً عظيماً» (نساء: ۹۵)

۳-۳-۳- وحدت در جامعه اسلامی

خداوند در آیه ۱۰۸ سوره توبه پیامبر اکرم(ص) را از نماز گزاردن در مسجد ضرار نهی نموده است چرا که منافقان شالوده ی این مسجد را بر کفر و نفاق و تفرقه و فساد قرار داده بودند. با دقت در این آیه پی می بریم که اهمیت اتحاد در میان صفوف مسلمین در نظر اسلام بقدری زیاد است که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجد دیگر باعث ایجاد تفرقه و اختلاف و شکاف در میان صفوف مسلمانان گردد آن مسجد تفرقه انداز نامقدس است. (مکارم شیرازی، ۸/ ۱۴۵)

۴-۳-۴- بیداری اسلامی و پایبند بودن به قوانین قرآن

در آیه ۶۰ سوره نساء چنین آمده است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» «آیا ندیده ای کسانی را که می پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده اند [با این همه] می خواهند داورِ میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته اند که بدان کفر ورزند، [ولی] شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد.

آیه فوق مسلمانانی را که برای داوری به نزد حکام می‌رفتند ملامت می‌کند و از اطاعت و پیروی و داوری طاغوت، نهی می‌نماید. چرا که مراجعه به طاغوت یک دام شیطانی است که می‌خواهد انسانها را از راه راست به بیراهه‌های دوردستی بیفکند. (مکارم شیرازی، ۳/ ۴۴۶)

۴-۳-۵- اصل امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن کریم، آیات فراوانی با تعبیرات و آهنگ‌های مختلف، درباره امر به معروف و نهی از منکر، به چشم می‌خورد. در این میان آیات ۶۷ و ۷۱ سوره توبه ویژگی خاص دارند. در آیه ۷۱ آمده است: « وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْتُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنان اند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.»

در این آیه خدای تعالی می‌فرماید مؤمنان در جامعه‌ی اسلامی، نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی‌تفاوت نیستند لذا امر به معروف و نهی از منکر که بر همه‌ی مردان و زنان با ایمان واجب است، برخاسته از حق ولایت بر یکدیگر است. (قرآینی، ۵/ ۱۰۴)

در آیه ۶۷ خداوند متعال در مقابل مؤمنان، از منافقان سخن به میان می‌آورد و بیان می‌دارد که آنها برعکس مومنان امر به منکر و نهی از معروف انجام می‌دهند.

۳-۴- بیان پیامدهای نفاق

جهت رفتار سازی، قرآن به بیان پیامدهای نفاق پرداخته که عبارتند از:

۳-۴-۱- عدم درک حقیقت

در آیه ۳ سوره منافقون خداوند اینچنین فرموده اند: « ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؛ این بدان سبب است که آنان ایمان آورده، سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند.» در واقع طبع و مهر به دل خوردن باعث می‌شود دیگر دل آدمی حق را نپذیرد، پس چنین دلی برای همیشه مایوس از ایمان و محروم از حق است. (طباطبایی، ۱۹/ ۲۸۰)

۳-۴-۲- دلیل و زیون بودن

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند در زمره‌ی خوارترین خلق خدا می‌باشند و سرنوشت حتمی آنها شکست و نابودی است.

« إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذْكَانِ؛ در حقیقت، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی‌خیزند، آنان در [زمره] زبونان خواهند بود.» (مجادله: ۲۰)

۳-۴-۳- محرومیت از رحمت و مغفرت خداوند و عدم قبولی استغفار در حق منافقان

علت اینکه منافقات شامل رحمت و مغفرت الهی نمی‌شوند این است که آنها به خدا و رسول او کفر ورزیدند و این کفر با بود و نبود استغفار و یا کم و زیادی آن برطرف نمی‌شود، چون بود و نبود آن و کم و زیادش کفر ایشان را از بین نمی‌برد. (طباطبایی، ۹/ ۳۵۲)

« اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ چه برای آنان آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی [یکسان است، حتی] اگر هفتاد بار برایشان آمرزش طلب کنی هرگز خدا آنان را نخواهد آمرزید، چرا که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.» (توبه: ۸۰)

۳-۴-۴- تباهی اعمال

همانگونه که می دانیم شرط قبولی اعمال و هر گونه تلاش و کوشش رضای خداست. بنابراین طبیعی است که اعمال کسانی که اصرار در خشم خدا دارند و مخالف با رضای او هستند نابود گردد، و با دست خالی، و کوله بار عظیمی از گناهان این جهان را وداع گویند. (مکارم شیرازی، ۴۷۵/۲۱)

« ذَالِكِ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا اسْتَحَبَّ اللَّهُ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ؛ زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده اند و خرسندیش را خوش نداشتند پس اعمالشان را باطل گردانید. » (محمد: ۲۸)

۳-۴-۵- سقوط در جهنم و جاودانه بودن در آن

فردی که نه به اندرز ناصحان، گوش فرا می دهد، و نه به هشدارهای الهی بلکه پیوسته با غرور و نخوت مخصوص به خود، بر خلافکاری هایش می افزاید، چنین کسی را جز آتش دوزخ رام نمی کند. (مکارم شیرازی، ۷۵/)

« أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَخَادِدُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِدًا فِيهَا ذَالِكِ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ؛ آیا ندانسته اند که هر کس با خدا و پیامبر او درافتد برای او آتش جهنم است که در آن جاودانه خواهد بود، این همان رسوایی بزرگ است. » (توبه: ۶۳)

۳-۵- روش مواجهه و برخورد با نفاق

همانطور که رفتار منافقان در جامعه اسلامی متنوع بوده و عناصر، عوامل و انگیزه های متنوع و متعدد در شکل گیری نفاق دخالت دارند، طبعاً شیوه ی مواجهه و برخورد با آن نیز متدرج و سیال میگردد. در این مقاله شیوه های برخورد با منافقان با دقت در ترتیب نزول آیات مربوط به نفاق، گردآوری شده است.

۴-۵-۱- مدارا با منافقان

با مراجعه به جدول شماره (۲) و دقت در ترتیب نزول آیات متوجه می شویم که اولین مرحله ی برخورد با منافقان، مدارا و تحمل آزار و اذیت آنان و عدم برخورد فیزیکی با آنها می باشد. آیه ۴۸ سوره احزاب صبر، گذشت و عفو، توکل بر خدا و همراهی نمودن منافقین را به مثابه روش برخورد با آنها یاد می کند. « وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُتَنَفِّقِينَ وَ دَعِ أَذْنَهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ؛ و کافران و منافقان را فرمان مبر، و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می کند. »

۳-۵-۲- ارشاد و انذار منافقان

در سوره ی مبارکه ی نساء روش تنبیه و تشویق سلبی و ایجابی در مواجهه با نفاق معرفی شده است و خداوند به رسولش رهنمود می دهد، در عین این که مواظب باشد تا از تأثیر منفی نفاق و منافقین در امان بماند، آنها را نصیحت نموده و به سوی خیرات فرا خواند و با استدلال استوار روشننگری نماید. « أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ؛ اینان همان کسانی که خدا می داند چه در دل دارند. پس، از آنان روی برتاب، [ولی] پندشان ده، و با آنها سخنی رسا که در دلشان [مؤثر] افتد، بگوی. » (نساء: ۶۳)

۴-۵-۳- برخورد شدید با منافقان

در برخورد با منافقان چنانچه مدارا و ارشاد و انذار کارساز واقع نشد، باید با آنها برخورد قاطعانه و شدید شود تا اینکه امنیت جامعه ی اسلامی حفظ شود و هم این برخورد و مجازات درس عبرتی باشد برای کسانی که با نفاق خود قصد خیانت به کیان اسلامی را دارند که این برخورد به دو روش صورت می گیرد:

۳-۵-۳-۱- طرد کردن و منزوی نمودن منافقان از جامعه

آیه ۷۳ سوره ی مبارکه ی توبه تحت فشار قرار دادن و تحریم و محدودسازی مناسبات و تعاملات را از شمار روش مواجهه با نفاق معرفی می کند: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُتَنَفِّقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ وَ بُسِّ الْمَصِيرُ ؛ ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر، و جایگاهشان دوزخ است، و چه بد سرانجامی است. » همچنین قرآن کریم

اشاره داشته به منزوی کردن منافقان از طریق معرفی هویت منافقان و لعن آنان، بی اعتنایی به منافقان و تهدید آن ها، عدم واگذاری پست های حساس به منافقان.

۳-۵-۲- تهدید نمودن منافقان به قتل

قرآن کریم، آن دسته از منافقان را که با توطئه های خویش برای براندازی اسلام، کوشش می کردند مورد تهدید قرار داده و می فرماید: « وَذُو لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَحُذُواهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا؛ همان گونه که خودشان کافر شده اند، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید، تا با هم برابر باشید. پس زنهار، از میان ایشان برای خود، دوستانی اختیار مکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند. پس اگر روی برتافتند، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان و از ایشان یار و یآوری برای خود مگیرید.» (نساء: ۸۹)

باید در نظر داشت قتل به عنوان آخرین راه حل و یا روش برخورد در مقابل اقدامات براندازانه ی آنها، پس از کار فرهنگی و تربیتی و تحقیق و آگاهی همه جانبه مجاز می شود.

۴. نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی شیوه گفتمان سازی و اقدامات قرآن به صورت تدریجی و گام به گام در راستای مبارزه با نفاق برای رسیدن به تربیت روحی پرداخته شد و نتایج زیر حاصل گشت:

۱) یکی از موضوعات بنیادی در قرآن مجید، رسیدن به تکامل انسانی است که آموزه های تربیتی قرآن بهترین راه دست یابی به این تکامل را فرا روی بشر گشوده است.

۲) جهت ایجاد تغییر در فرهنگ رایج جامعه، ابتدا بایستی گفتمان سازی صورت گیرد. زیرا برای تغییر در باورها و دیدگاه های مردم باید ابتدا در ذهن آن ها دغدغه ایجاد کرد سپس به تبلیغ و جایگزینی گفتمان جدید پرداخت، در این صورت است که می توان انتظار تغییر فرهنگ و تجلی آن در رفتار مردم را داشت، همچنان که شیوه قرآن چنین است.

۳) روش قرآن در گفتمان سازی در جهت مبارزه با نفاق، روشی با برنامه، تدریجی و گام به گام است. در نتیجه برای اینکه تغییری اساسی در جامعه شکل گیرد نیاز به برنامه ریزی و گام های تدریجی است و اقدامات بی برنامه و سریع نمی تواند تاثیری عمیق و پایدار داشته باشد..

۴) مراحل گفتمان سازی قرآن در جهت مبارزه با نفاق شامل مراحل زیر است: تشخیص و مساله شناسی، فرهنگ سازی، تبلیغ گفتمان جدید، بیان پیامدهای نفاق و شیوه ی برخورد با منافقان.

۵) از مهمترین مراحل یک گفتمان سازی موفق می توان اشاره کرد به : برجسته نمودن نقاط ضعف دیدگاه رایج جهت ایجاد تغییر در فرهنگ عمومی مردم، تبلیغ و الگوسازی گفتمان جدید، ارائه ی راهکارهای جدید و واقع بینانه.

منابع

قرآن کریم

ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ العربی، بی تا.*

ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالجیل، بی تا.*

ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله، *تفسیر غریب القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق.*

ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.*

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

- اسکندری، محمدرضا، اهمیت و جایگاه *گفتمان سازی در منظومه فکری رهبری*، بی جا، بصیرت، ۱۳۹۳.
- آقا گل زاده، فردوس، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- آیتی، ابراهیم، *تاریخ پیامبر اسلام*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- خاتمی، سیداحمد، *سیمای نفاق در قرآن*، قم، شفق، ۱۳۷۹..
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، بی جا، بی نا، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- رهنما، زین العابدین، *ترجمه و تفسیر رهنما*، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۴۶.
- سبحانی، جعفر، *منشور جاوید*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
- سبحانی، جعفر، *سیمای انسان کامل در قرآن*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷.
- سید قطب، *فی ظلال القرآن*، چاپ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۶.
- سیوطی، جلال الدین، *الاتفاق فی علوم القرآن*، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عضدانلو، حمید، *گفتمان و جامعه*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
- فخر رازی، ابو عبدالله، *تفسیر کبیر*، بی جا، دار احیاء التراث الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق.
- فرکلاف، نورمن، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه شایسته پیران، تهران، مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۹.
- فیض کاشانی، محسن، *تفسیر الصافی*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- معرفت، محمدهادی، *التمهید*، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، ۱۴۱۲ق.
- مک داندل، دایان، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.